

بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر

Factor Structure and Reliability of the Persian Version of the Scale of Psychological Abuse in Intimate Partner Violence

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.19.1.147>

O. Isanejad, Ph.D.

Psychopathology of Family and Training Research
Group, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran

Sh. Naghibalsadate, M. A.

Psychopathology of Family and Training Research
Group, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran

✉ امید عیسی‌نژاد

گروه پژوهشی آسیب‌شناسی خانواده و تربیت، دانشگاه
کردستان

شیرین نقیب‌الساداتی

گروه پژوهشی آسیب‌شناسی خانواده و تربیت، دانشگاه
کردستان

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

Abstract

The present study aims to examine the factor structure, validity, and reliability of the scale of Psychological Abuse in Intimate Partner Violence (EAPA-P) among Iranian women. The research method was descriptive correlation and the participants consisted of 342 injured women who were selected by available sampling. Participants completed Psychological Abuse in Intimate Partner Violence (EAPA-P) and

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، در میان زنان آسیب‌دیده ایرانی بود. روش پژوهش توصیفی - همبستگی بود و نمونه شامل ۳۴۲ نفر از زنان آسیب‌دیده بودند که به روش در دسترس انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه‌های مقیاس سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر (EAPA-P) و مقیاس تاکتیک‌های حل تعارض (CTS-2) را تکمیل نمودند.

✉ Corresponding author: Psychopathology of Family and Training Research Group, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran.
Email: O.isanejad@uok.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: سندیج، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه پژوهشی آسیب‌شناسی خانواده و تربیت.
پست الکترونیکی: O.isanejad@uok.ac.ir

Revised Conflict Tactics Scale (CTS-2). The results of reliability by Cronbach's alpha coefficient for the subscale of direct strategies of EAPA-P were reported and indirect strategies were 0.91 and 0.90 respectively. According to the validity index, the correlation of spousal abuse factors (EAPA-P) with the psychological and physical violence sub-category of (CTS-2) was positive and significant ($P < 0.01$). Also, the correlation of factors of (EAPA-P) with negative negotiation subscale has been obtained ($P < 0.05$). Results of Goodness-of-fit index 0/90, Comparative Fit Index 0/95 and Root Mean Squared Error of Approximation 0/067 which showed that the two-factor model of the two forms fit with the data. In general, it can be stated that (EAPA-P) has the necessary properties of validity and reliability and can be employed in family research studies and consultation.

Keywords: psychological abuse, factor structure, construct validity, reliability.

نتایج پایایی برای خرده‌مقیاس راهبردهای مستقیم و راهبردهای غیرمستقیم، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۱ و ۰/۹۰ به دست آمد. به‌عنوان نشانگر یا شاخص روانی، همبستگی عامل‌های مقیاس سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر (EAPA-P)، با خرده‌مقیاس خشونت روانی و جسمانی، مقیاس تاکتیک‌های حل تعارض (CTS-2) مثبت و معنادار به دست آمده است ($P < 0/01$). همچنین همبستگی عامل‌های مقیاس سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر (EAPA-P) با خرده‌مقیاس مذاکره، منفی به دست آمده است ($P < 0/05$). شاخص نیکویی برازش ۰/۹۰، برازش تطبیقی ۰/۹۵ و ریشه‌دوم میانگین مربعات خطای برآورد ۰/۰۶۷ به دست آمد که نشان می‌دهد، مدل دو عاملی پرسش‌نامه با داده‌ها برازش دارد و مدل تأیید شده است؛ در مجموع، می‌توان گفت که این پرسش‌نامه ویژگی‌های یک آزمون روا و پایا را دارد که می‌توان در موقعیت‌های پژوهشی و مشاوره‌ای از آن استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: سوءاستفاده روان‌شناختی، ساختار عاملی، روایی سازه، پایایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در طول دو دهه گذشته، دستاوردهای مهمی در جلب توجه به «اپیدمی»^۱ خشونت علیه زنان وجود داشته است. زنان در معرض سوءاستفاده جسمی، جنسی و روانی شریک زندگی قرار می‌گیرند و این پدیده عموماً به‌عنوان خشونت شریک زندگی^۲ شناخته شده است (ویلده، گومز، فرناندز و همکاران^۳، ۲۰۲۰). خشونت شریک زندگی یک مشکل اجتماعی مطرح‌شده در سطح جهان و به‌طور خاص در جوامع مردسالار است که به‌عنوان یک مسئله بهداشت عمومی در ایالات متحده و جهان تعریف شده است (سنگیتا، موهان، هاریهار و همکاران^۴، ۲۰۲۲؛ ویلی و کرشاول^۵، ۲۰۱۹). خشونت شریک زندگی، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی، نژادی، قومی، اقتصادی یا مذهبی، در تمام کشورها رخ می‌دهد (اوگانسیجی و بلیسدل^۶، ۲۰۱۷). در این میان، وضع کشورهای در حال توسعه و با درآمد پایین، بسیار بدتر است. از نظر حقوقی، خشونت شریک

زندگی نقض حقوق بشر است (یتبارک، اولدی و آبراهام^۷، ۲۰۱۹). درنظرگرفتن این نکته مهم است که بالاترین میزان خشونت بین زنانی که شرکای آن‌ها بیکار، دارای تحصیلات پایین یا مصرف‌کننده الکل و موادمخدر هستند، اتفاق می‌افتد (الیت، لوتیس، امریزم و همکاران^۸، ۲۰۱۹).

مرکز کنترل و پیش‌گیری بیماری‌ها،^۹ طبق تعریفی که از خشونت شریک زندگی ارائه می‌دهد، آن را به‌عنوان خشونت فیزیکی، عاطفی یا جنسی در نظر می‌گیرد که بین دو نفر، در یک رابطه نزدیک رخ می‌دهد (رم و میلر^۱، ۲۰۲۰). یکی از مهم‌ترین انواع خشونت، خشونتی است که از طریق آن، مردان قدرت جسمانی یا اجتماعی خود را بر زنان اعمال می‌کنند (داسن^{۱۱}، ۲۰۱۱). از این نوع خشونت، با عنوان «همسرآزاری زنان» یاد می‌شود و طیف وسیعی از انواع خشونت، از جمله خشونت جسمی (مثلاً ضرب‌وشتم، خفگی)، جنسی (مثلاً استفاده از تهدید یا نیروی جسمی برای استفاده جنسی)، عاطفی یا روان‌شناختی، تهدیدها، آزار کلامی، تحقیر و حتی قتل همسر را در بر می‌گیرد (کراویل و بورچیس^{۱۲}، ۱۹۹۶؛ گارسیا - مورنو، پولیت، دیوریس و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۳). تحقیقاتی که به بررسی اثرات خشونت شریک زندگی بر کیفیت زندگی زنان و بهزیستی روان‌شناختی پرداخته است، نشان می‌دهد که خشونت شریک زندگی در سلامت روان‌شناختی بازماندگان نقش مؤثری دارد و به نظر می‌رسد که تأثیر آن فوری و ماندگار باشد (دولاب، فیشر و اودانل^{۱۴}، ۲۰۲۲؛ آدامز و بیبل^{۱۵}، ۲۰۱۸). با درنظرگرفتن تجارب عمیق و پیامدهای خشونت شریک زندگی علیه زنان، اهداف توسعه پایدار^{۱۶} دستور حذف همه اشکال خشونت علیه زنان را مطرح کرده است. انتظار می‌رود تا پایان سال ۲۰۳۰، تمام کشورها از قیدوبند خشونت شریک زندگی رها شده باشند. حمایت از زنان در برابر خشونت، نه تنها برای زنان، بلکه برای کل جامعه پیامدهای متفاوتی به همراه دارد (گارسیا - مورنو و امین^{۱۷}، ۲۰۱۶؛ کیم، هارگریوز، ندلوو و همکاران^{۱۸}، ۲۰۰۷).

خشونت شریک زندگی صرفاً خشونت جسمانی نیست. سوءاستفاده روان‌شناختی^{۱۹}، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های خشونت شریک زندگی شناخته شده است (میلز، هیل و جانسون^{۲۰}، ۲۰۱۸). سوءاستفاده روان‌شناختی، در بین کشورها امری بسیار شایع است (ری آناکونا، مارتینز گومز، هررو اولایزولا و همکاران^{۲۱}، ۲۰۲۱؛ روبیو - گارای، لویز - گونزالس و همکاران^{۲۲}، ۲۰۱۷). برخی مطالعات بیان می‌کنند که سوءاستفاده روان‌شناختی، حداقل به همان اندازه خشونت جسمانی، بر سلامت روان افراد خشونت‌دیده تأثیرات منفی و مخربی دارد (هایز، پولیت، گارسیا مورنو و کلارک^{۲۳}، ۲۰۱۹). همچنین این مسئله یک نگرانی عمومی و مطرح‌شده در سطح جهان و ابزاری برای به تسلط و اطاعت درآوردن شریک زندگی است (سازمان بهداشت جهانی^{۲۴}، ۲۰۱۷). در یک نظرسنجی اسپانیایی، شیوع خشونت خانگی و سوءاستفاده روان‌شناختی در میان زنان بالای ۱۷ سال، بین ۴۰/۳ تا ۴۴/۷ درصد گزارش شده است (پوراگاریسیا، رودریگز - کاربالیرا، اسکارترین و همکاران^{۲۵}، ۲۰۱۶). سوءاستفاده روان‌شناختی در طول زمان گسترش می‌یابد و معمولاً با شکل‌های سنتی نفوذ و متقاعدکردن آغاز می‌شود. هنگامی که شکل‌های سنتی نفوذ و متقاعد، برای تسلط مطلوب یا کافی نیستند، عاملان ممکن است با به‌کارگیری راهبردهای اجبار و کنترل که سوءاستفاده روانی را شامل می‌شود، در پی دستیابی به اهداف خود باشند (لینرز، اسکارترین، بارینتوس و همکاران^{۲۶}، ۲۰۱۸). علاوه بر این، خشونت شریک زندگی معمولاً در بستری از سوءاستفاده روانی رخ می‌دهد و یک رابطه قوی بین شدت سوءاستفاده جسمی و روانی وجود دارد (بارتولوموی، ریگان، وایت و اورام^{۲۷}، ۲۰۰۸). سوءاستفاده

روان‌شناختی، به معنای به‌کارگیری دو روش آزار کلامی و غیر کلامی، با هدف ایجاد صدمه روانی و عاطفی یا اعمال کنترل و نظارت بر شریک زندگی خود تعریف شده و به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده قوی، برای بروز خشونت جسمانی در روابط بین زوجین شناخته شده است. اثرات سوءاستفاده روان‌شناختی بسیار برجسته است و می‌تواند بیشترین تأثیر مخرب را بر فرد خشونت‌دیده داشته باشد (نپال، لمان، سونیا، کاوانا و کوی^{۲۸}، ۲۰۱۹). سوءاستفاده روان‌شناختی منجر به انواع مختلفی از علائم و نشانه‌ها می‌شود؛ از جمله افسردگی، دست‌کشیدن از فعالیت‌های زندگی روزمره، احساس ناامیدی، احساس بی‌ارزشی، از دست دادن امید به زندگی، کاهش اعتماد به نفس و حتی داشتن افکار خودکشی (نوهارت و کارنی^{۲۹}، ۲۰۲۰). اختلال استرس پس از سانحه^{۳۰}، به‌عنوان یکی دیگر از علائم مرتبط با سوءاستفاده روان‌شناختی، در میان زنان آزاردیده، معمولاً بین ۳۳ تا ۸۴ درصد گزارش شده است (جونز، هیوز و آنترستالر^{۳۱}، ۲۰۰۱). خشونت انواع متفاوتی دارد، اما زنان آزاردیده، بعد از هر نوع تجربه خشونت و سوءاستفاده، علائم و نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه را از خود بروز می‌دهند (پوراگاریا و همکاران، ۲۰۱۶). پریشانی حاصل از سوءاستفاده روان‌شناختی، با کاهش سلامت روانی و افزایش میزان مرگ‌ومیر مرتبط است (دونگ، چن، چانگ و سایمون^{۳۲}، ۲۰۱۳). سوءاستفاده روان‌شناختی، علاوه بر اثرات جسمی و روانی، هزینه‌های اقتصادی زیادی هم دارد؛ در ایالات متحده، هزینه‌های ناشی از جراحات، خدمات پزشکی، عدالت کیفری و سایر هزینه‌ها ۳/۶ تریلیون دلار تخمین زده شده است (پترسون، کرنز، مک اینتاش و همکاران^{۳۳}، ۲۰۱۸). بنابراین، یافتن راه‌هایی برای کاهش هزینه‌های انسانی و اقتصادی ناشی از خشونت شریک زندگی، یک مسئله اجتماعی بسیار مهم است که هم متخصصان و هم سیاستمداران باید به آن توجه کنند (رولرو^{۳۴}، ۲۰۲۰).

سوءاستفاده روان‌شناختی، به‌عنوان بزرگ‌ترین آسیب، بدون وارد کردن صدمه ظاهری و قابل‌رؤیت، در نظر گرفته شده است که دارای یک ساختار واحد نیست (لاوسی، بارچیلی، بورای و همکاران^{۳۵}، ۲۰۲۱؛ نوهارت و کارنی، ۲۰۲۰)؛ بلکه شامل چندین بعد تسلط، انزوا و آزار کلامی است. محققان دیگری نیز بر این باورند که شکل پیوسته پرخاشگری، توهین، کنترل و اجبار می‌باشد (دوکدال، کوک، مورفی و همکاران^{۳۶}، ۲۰۱۹)؛ دومنک دل ریو و سیرونت گارسیا دل واله^{۳۷}، ۲۰۱۷)؛ استفان، کولتر و واندویرد^{۳۸}، ۲۰۱۶)؛ لارنس، اورنگ - آگوايو، لانگر و براک^{۳۹}، ۲۰۱۲)؛ گارسیا - لینارس، پیکو و همکاران^{۴۰}، ۲۰۰۵). نویسندگانی، از جمله مارشال، استدلال می‌کنند که سوءاستفاده روانی چیزی بیش از ابعاد آن است که هرازگاهی شناسایی می‌شوند (مارشال^{۴۱}، ۱۹۹۹). به‌طور کلی تعاریف متعددی از سوءاستفاده روانی ارائه شده است؛ از جمله دادوفریادزدن بر سر همسر، توهین، تحقیر، آزارواذیت، تهدید کلامی خود قربانی یا عزیزانشان، محدودیت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، منابع مالی یا حتی وسیله نقلیه (بایر - مریت^{۴۲}، ۲۰۱۰)؛ هال، والترز و باسیل^{۴۳}، ۲۰۱۲)؛ جنتری و بیلی^{۴۴}، ۲۰۱۴)؛ دومنک دل ریو و سیرونت گارسیا دل واله، ۲۰۱۷)؛ ایلگوسین، بات، آکیک و اوبرمایر^{۴۵}، ۲۰۱۹)؛ مک‌کلینتاک، ترگو و وانگ^{۴۶}، ۲۰۱۹). این تغییرات در اصطلاحات و تعاریف مطرح‌شده از سوءاستفاده روانی، ناگزیر در روان‌سنجی منعکس شده است (لاوسی و همکاران، ۲۰۲۱). ابزارهای توسعه‌یافته برای ارزیابی خشونت دو محدودیت اصلی دارند: یکی اینکه خشونت‌روانی را به‌عنوان یک

واحد مجزا در نظر گرفته‌اند؛ دوم اینکه، ارزیابی مستقل و جداگانه‌ای از ابعاد زیرمجموعه خشونت روانی ارائه داده‌اند (دوکدال و همکاران، ۲۰۱۹؛ استراوس^{۴۷}، ۱۹۹۶).

بررسی ابزارهای موجود در زمینه خشونت نشان می‌دهد که پرسش‌نامه‌های زیر در ایران اعتباریابی شده است: پرسش‌نامه باج‌گیری عاطفی^{۴۸} کارنانی^{۴۹} (۲۰۱۸) با ۲۰ آیتم و ۲ خرده‌مقیاس، توسط عباس‌پور، امان‌الهی و چوبداری (۱۳۹۸)، پرسش‌نامه همسرآزاری جسمی و روانی^{۵۰} موفیت، کاسپر، کروگر، ماگدا، مارگولیس، سیلوا و سیدنی^{۵۱} (۱۹۹۷) با ۳۵ آیتم و ۲ خرده‌مقیاس، توسط شمس اسفندآبادی، امامی‌پور و صدروسادات (۱۳۸۳)، مقیاس تاکتیک‌های حل تعارض^{۵۲} استراوس، هامبی، بانی مک کوی و شوگرمن^{۵۳} (۱۹۹۶) با ۷۸ آیتم و ۵ خرده‌مقیاس، توسط پناغی، دهقانی، عباسی، محمدی و ملکی (۱۳۹۰)، پرسش‌نامه خشونت نسبت به زنان حاج‌یحیی^{۵۴} (۲۰۰۱)، دارای ۲۲ آیتم و ۴ خرده‌مقیاس، توسط خسروی و خاقانی‌فر (۱۳۸۳)، پرسش‌نامه رفتارهای سوء^{۵۵} شپرد و کمپل^{۵۶} (۱۹۹۲) دارای ۳۰ آیتم و ۵ خرده‌مقیاس، توسط همتی (۱۳۸۳)، پرسش‌نامه چهار اسب‌سوار مهلک^{۵۷} گاتمن^{۵۸} (۱۹۹۹)، دارای ۳۳ آیتم و ۴ خرده‌مقیاس، توسط محمدی و پیرخائفی (۱۳۹۳) و پرسش‌نامه خشونت خانگی^{۵۹} شرین، سیناکور، لی، زیترو و شکیل^{۶۰} (۱۹۹۸)، دارای ۴ آیتم، توسط میرغفوروند، محمدعلیزاده چرندابی، اصغری جعفرآبادی و اسدی (۱۳۹۵).

از پرسش‌نامه‌های ایرانی در این زمینه، می‌توان به پرسش‌نامه خشونت خانگی توسط مهری، گرمارودی، سادات‌رضوی، حاجی‌زاده، هاشمیان و صلحی (۱۳۹۶) با ۹۲ آیتم و ۶ خرده‌مقیاس، پرسش‌نامه همسرآزاری توسط پناغی، قهاری، مختارنیا، داستاروند و نبویان (۱۳۹۵) با ۴۴ آیتم و ۳ خرده‌مقیاس، پرسش‌نامه خشونت خانگی علیه زنان توسط زارع شاه‌آبادی و ندرپور (۱۳۹۳) با ۶۴ آیتم و ۵ خرده‌مقیاس و همچنین پرسش‌نامه خشونت خانگی توسط پورنقاش تهرانی (۱۳۸۳) با ۴۰ آیتم و ۳ خرده‌مقیاس اشاره کرد.

محدودیت اصلی ابزارهای مطرح‌شده، اساساً ناشی از رویکرد جزئی‌نگر آن‌هاست که طیف گسترده اشکال سوءاستفاده روان‌شناختی (آشکارترین تا ظریف‌ترین) آن‌ها را در بر نمی‌گیرد (پوراگارسا و همکاران، ۲۰۱۶). طراحی و به‌کارگیری یک ابزار مختصر که راهبردهای سوءاستفاده روان‌شناختی در یک رابطه صمیمی را به روشی جامع‌تر ارزیابی کند، ضروری است (لونگارس، سالدانا، اسکارتین، کاربالیرا و همکاران^{۶۱}، ۲۰۱۸)؛ بنابراین، محققان اقدام به تهیه و تدوین پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر^{۶۲} که به بررسی راهبردهای سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، با استناد به تعریف سوءاستفاده روان‌شناختی تحت‌عنوان «استفاده و به‌کارگیری مستمر راهبردهای فشار، کنترل و اجبار با هدف به‌تسلط‌درآوردن و مطیع‌سازی همسر» می‌پردازد، کرده‌اند (پوراگارسا و همکاران، ۲۰۱۶). اعتبارسنجی نسخه اصلی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، روی ۱۰۱ نفر زن خشونت‌دیده با میانگین سنی ۲۹-۵۱، ساکن اسپانیا انجام شده بود. از این تعداد، ۶۵ درصد خشونت جنسی، ۷۶ درصد خشونت فیزیکی و ۱۰۰ درصد خشونت روانی را تجربه کرده‌اند. ابتدا مقیاس ۴۷‌آیتمی که بر اساس طبقه‌بندی رودریگز - کاربالیرا، پورورا - گارسیا، اسکارتین، مارتین - پنا و آلمندروس^{۶۳} (۲۰۱۴) طراحی شده، مورد بررسی قرار گرفته است که در نهایت و به‌دنبال تحلیل عاملی اکتشافی، ۱۹ آیتم و ۲ خرده‌مقیاس، راهبردهای مستقیم و راهبردهای غیرمستقیم انتخاب شده است (پوراگارسا و همکاران، ۲۰۱۶). رودریگز - کاربالیرا و همکاران (۲۰۱۴) تعریف جامعی از راهبردهای

مستقیم ارائه کرده‌اند: «راهبردی که بر بعد عاطفی، شناختی و رفتار قربانی تأثیر می‌گذارد و با هدف تسلط بر شریک زندگی اعمال می‌شود. راهبردهای غیرمستقیم، شامل آن دسته از راهبردهایی می‌شود که با کنترل غیرمستقیم شریک زندگی، از طریق انزوای فرد خشونت‌دیده صورت می‌گیرد» (رودریگز - کاربالیرا و همکاران، ۲۰۱۴).

ارزیابی خشونت روانی، بین اشکال پنهان و آشکار خشونت، گامی فراتر از ابزارهای موجود را می‌طلبد. پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، یکی از ابزارهایی است که به برخی محدودیت‌های ابزارهای قبلی غلبه می‌کند (لونگارس و همکاران، ۲۰۱۸). اولین مزیت مطرح برای پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، کوتاه و جامع بودن ابزار است؛ دومین مزیت، سنجش و شناسایی اشکال خشونت روانی در مراحل اولیه و قبل از بروز خشونت است که گامی اساسی در جهت کاهش اثرات بلندمدت خشونت بر سلامت روان زنان است؛ سومین مزیت، مربوط به درک راهبردهای مختلف سوءاستفاده روانی است که می‌تواند برای ساختاربندی مداخلات پشتیبانی مفید باشد. علی‌رغم مزیت‌های مطرح برای پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، تاکنون در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین، هدف اصلی این مطالعه بررسی نسخه فارسی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه است.

سؤالات تحقیق عبارت است از: ۱. ساختار عاملی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر در این پژوهش چگونه است؟ ۲. آیا پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر دارای روایی و پایایی جهت استفاده در جامعه ایرانی می‌باشد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش تمامی زنان آسیب‌دیده استان کردستان بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. بر اساس مجوزی که سازمان‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات دادند، ۲۸۰ پرسش‌نامه در میان زنان کارمند آموزش و پرورش، ۱۲۰ پرسش‌نامه در میان زنان کارمند بهداشتی، ۲۳۰ پرسش‌نامه در میان زنان کارمند دانشگاه کردستان، علوم پزشکی و دانشگاه فرهنگیان توزیع شد. دریافت‌کنندگان پرسش‌نامه، بعد از مطالعه آن، در صورتی که آیتم‌های آن را متناسب با خود می‌دیدند و قبلاً آن‌ها را تجربه کرده بودند، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل و برمی‌گرداندند. در مجموع، ۳۴۲ پرسش‌نامه برگردانده شد. ملاک‌های انتخاب نمونه شامل زنانی با تجربه خشونت خانگی، داشتن حداکثر ۵۰ سال، داشتن حداقل تحصیلات پایان دوره ابتدایی و همچنین عدم سابقه سوء مصرف مواد بود. این ملاک‌ها به صورت خوداظهاری بررسی شد؛ به این معنا که اگر مشارکت‌کنندگان آیتم‌های پرسش‌نامه را با وضعیت فعلی‌شان ناهمخوان می‌دانستند، از ادامه همکاری منصرف می‌شدند. ملاحظات اخلاقی پژوهش شامل رازداری، تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کلی و بدون توجه به هویت فردی و نیز اهداف پژوهش، برای

مشارکت‌کنندگان شرح داده شد. همچنین، به مشارکت‌کنندگان جهت مشارکت یا عدم مشارکت در پژوهش آزادی و اختیار کامل داده شد.

گروه نمونه

تعداد ۳۴۲ نفر زن متأهل خشونت‌دیده در این پژوهش شرکت داشته‌اند که دامنه سنی آن‌ها، از ۱۶ تا ۵۰ سال، با میانگین سنی ۳۴/۷۷ و انحراف استاندارد ۷/۶۷ به دست آمد. مدت ازدواج آن‌ها، در دامنه ۱ تا ۳۵ سال، با میانگین ۱۱/۴۱ و انحراف استاندارد ۸/۲۹ بوده است. در میزان تحصیلات، ۳۹ نفر با تحصیلات ابتدایی (۱۱/۴ درصد)، ۴۷ نفر متوسطه (۱۳/۷ درصد)، ۷۸ نفر دیپلم (۲۲/۸ درصد)، ۲۸ نفر کاردانی (۸/۲ درصد)، ۱۰۸ نفر کارشناسی (۳۱/۶ درصد) و ۴۲ نفر ارشد و بالاتر (۱۲/۳ درصد) بودند.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر: این مقیاس توسط پوراگاریسیا و همکاران (۲۰۱۶) تهیه شده است. این مقیاس ۱۹ آیتمی برای سنجش سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر طراحی شده است. دارای دو خرده‌مقیاس راهبردهای مستقیم که شامل آیتم‌های ۱ تا ۱۲ و راهبردهای غیرمستقیم شامل آیتم‌های ۱۳ تا ۱۸ است. شیوه نمره‌گذاری این پرسش‌نامه، بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرتی (هرگز: ۰ تا همیشه: ۴) درجه‌بندی شده است. ضریب آلفای کل مقیاس ۰/۹۳ گزارش شده است. همبستگی این ابزار با مقیاس سوءاستفاده روان‌شناسی^{۶۴}، مقیاس اضطراب و افسردگی^{۶۵} و مقیاس ترومای دیویدسون^{۶۶} به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۴۳ و ۰/۵۸ گزارش شده است (پوراگاریسیا و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین در پژوهش لاوسی و همکاران (۲۰۲۱)، میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای کل مقیاس ۰/۹۰، خرده‌مقیاس راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۷ گزارش شده است (لاوسی و همکاران، ۲۰۲۱).

ب) پرسش‌نامه تاکتیک‌های حل تعارض: این پرسش‌نامه توسط استراوس و همکاران (۱۹۹۶) تهیه شده است. این مقیاس خشونت جسمانی و روان‌شناختی زوجین علیه یکدیگر را در دوازده ماه مورد سنجش قرار می‌دهد و شامل ۷۸ سؤال در ۵ خرده‌مقیاس است. پایایی زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه تاکتیک‌های حل تعارض توسط استراوس، در نمونه‌ای از دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است. آن‌ها دریافته‌اند که دامنه همسانی درونی پرسش‌نامه تاکتیک‌های حل تعارض، از ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ در نوسان است (استراوس و رامیرز^{۶۷}، ۲۰۰۷). همچنین مقدار ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ گزارش شده است (استراوس، ۲۰۰۴).

در ایران، ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس توسط پناغی و همکاران (۱۳۹۰) مورد بررسی قرار گرفت و روایی آن به شیوه همبستگی بررسی شد: خرده‌مقیاس‌های حمله و خشونت روانی ۰/۶۱ همبستگی مثبت دارند و سازه‌های مشابهی را اندازه می‌گیرند؛ اما خرده‌مقیاس مذاکره با حمله و خشونت روانی به ترتیب ۰/۰۷ و ۰/۰۲ گزارش شده است که نشان‌دهنده اندازه‌گیری سازه‌های متفاوت توسط خرده‌مقیاس مذاکره است. همچنین میزان آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۶۶ تا ۰/۸۶ محاسبه شده است (پناغی و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ کل ۰/۹۴ محاسبه شده است. همچنین آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس مذاکره ۰/۸۶، خشونت روانی ۰/۹۱، خشونت جسمانی ۰/۹۴، آزار جنسی ۰/۸۵ و صدمه ۰/۸۶ به دست آمد.

فرایند اجرای پژوهش

در این پژوهش، ابتدا پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر (۲۰۱۶) به فارسی ترجمه شد. سپس از چهار نفر از اعضای هیئت علمی گروه روان‌شناسی و مشاوره درخواست شد که درستی ترجمه را بررسی کنند. بعد دو متخصص زبان انگلیسی فرایند بازترجمه (از فارسی به انگلیسی) را انجام دادند. ترجمه‌ها با همدیگر مقایسه شدند و پس از تأیید نهایی نسخه فارسی این مقیاس تهیه شد. اجرای مقدماتی این ابزار روی پنجاه زن متأهل آسیب‌دیده به صورت آزمایشی اجرا شد. در این مطالعه مقدماتی، آلفای کرونباخ عامل راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۹۰ به دست آمد. اجرای مقدماتی پرسش‌نامه توسط افرادی تکمیل شد که نمونه‌ای از جامعه آماری پژوهش اصلی بودند. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که با بیان انتقادات و توصیه‌های خود، در بهبود و اصلاح پرسش‌نامه برای اجرای اصلی کمک کنند. همچنین در صورت تمایل، معنای سؤالات را با بیان خود اظهار کنند. این فرایند تا فهم صحیح پرسش‌نامه توسط اکثر پاسخ‌دهندگان ادامه پیدا کرد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی و استنباطی، با استفاده از نرم‌افزار SPSS-16 و تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار AMOS-22 انجام شد. در گام اول، از پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر تحلیل عاملی تأییدی^{۶۸} گرفته شد تا مشخص شود که آیا عامل‌های به دست آمده توسط پوراگاریا و همکاران (۲۰۱۶) در ایران هم تأیید می‌شود یا خیر. دامنه شاخص‌های برازش تطبیقی^{۶۹}، برازش هنجار^{۷۰}، نیکویی برازش^{۷۱} و نیکویی برازش تعدیل‌شده^{۷۲} از ۰ تا ۱/۰۰ قرار دارند و مقادیر نزدیک به ۱/۰۰ نشانه برازش خوب است. ریشه دوم میانگین مربعات خطای باقی‌مانده استاندارد شده در یک مدل خوب برازش شده ۰/۰۵ یا کمتر خواهد بود. همچنین مقادیر کمتر از ۰/۰۵، برای ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد^{۷۳} پیشنهاد شده است؛ در گام دوم، بعد از حذف نشانگرهای ضعیف و اطمینان از شناسایی پذیر بودن مدل، به همبسته کردن ماتریس کواریانس خطای درون عامل‌ها پرداخته شد. این روال را تا زمانی که حداقل سه شاخص به حد مطلوب رسیدند، ادامه یافت؛ در گام سوم، بار عاملی استاندارد شده^{۷۴} بررسی شد. بنا بر این بررسی، بهترین حالت زمانی است که تمام بارهای عاملی استاندارد شده بیش از ۰/۵ باشد. در این مرحله، با حذف آیتم شماره دو پرسش‌نامه، با بار عاملی استاندارد شده ۰/۰۴-، به ارزیابی مجدد برازش مدل پرداخته شد. این سطح از اصلاح مدل، از چهارچوب نظری خارج نمی‌شود و ساختار عاملی اصلی را که توسط سازندگان پیشنهاد شده است به هم نمی‌ریزد (فرید، ۱۳۹۳).

بیان یافته‌ها

همان طور که در جدول ۱ آورده شده است، در پژوهش حاضر، ابتدا شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار و سپس ماتریس همبستگی برای سنجش روایی همگرا و واگرایی خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه

سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، با پرسش‌نامه تاکتیک‌های حل تعارض مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه نیز شاخص‌های توصیفی، برازش، پایایی و روایی آورده شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی عامل‌های پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر و تاکتیک‌های حل تعارض

۶	۵	۴	۳	۲	۱	انحراف استاندارد	میانگین	
					۱	۱۱/۲۱	۱۴/۴۴	۱. راهبرد مستقیم
				۱	۰/۸۳۳**	۷/۱۰	۶/۶۸	۲. راهبرد غیرمستقیم
			۱	۰/۹۳۵**	۰/۹۷۵**	۱۷/۵۸	۲۱/۱۲	۳. کل پرسش‌نامه
		۱	۰/۶۴۱**	۰/۵۶۰**	۰/۶۵۰**	۱۷/۰۳	۱۴/۳۳	۴. خشونت روانی
	۱	۰/۱۲۳*	-۰/۰۴۲	-۰/۰۶۳	-۰/۰۲۷	۱۷/۳۱	۳۳/۷۷	۵. مذاکره
۱	-۰/۰۰۵	۰/۷۸۷**	۰/۶۰۱**	۰/۵۳۷**	۰/۶۰۲**	۹/۳۳	۴/۹۴	۶. خشونت جسمانی

** سطح ۰/۰۱، * سطح ۰/۰۵

مطابق نسخه اصلی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، همبستگی بین خرده‌مقیاس‌ها بررسی و به‌عنوان شاخص روایی گزارش شد. ماتریس همبستگی عامل‌های پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر با خرده‌مقیاس خشونت روانی و جسمانی مقیاس تاکتیک‌های حل تعارض مثبت و معنادار به دست آمده است ($P < 0/01$)؛ همچنین همبستگی عامل‌های پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر با خرده‌مقیاس مذاکره منفی به دست آمده است ($P < 0/05$). در ادامه، برای بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است؛ زیرا ساختار عاملی این ابزار قبلاً توسط سازنده آن پوراگاریا و همکاران (۲۰۱۶) مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس مدل پوراگاریا و همکاران (۲۰۱۶) ساختار دوعاملی، مرتبه اول شامل راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم ارائه و برازش گردید.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل دوعاملی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر

RMSEA	CFI	AGFI	GFI	NFI	SRMR	PNFI	X ²	DF	X ² /DF	
۰/۰۷۷	۰/۹۳	۰/۸۴	۰/۸۷	۰/۹۰	۰/۰۴۲۵	۰/۷۹	۴۵۵/۴۶	۱۵۱	۳/۰۱۶	قبل از اصلاح مدل
۰/۰۶۷	۰/۹۵	۰/۸۷	۰/۹۰	۰/۹۳	۰/۰۳۶۵	۰/۷۶	۳۱۳/۸۱	۱۲۵	۲/۵۱۰	مدل اصلاح‌شده

شاخص‌های برازش مدل دوعاملی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر در جدول ۲ نشان داده شده است. شاخص‌های کلی برازش به‌دست‌آمده از نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد که مدل دوعاملی برازش دارد.

سؤال دو پرسش‌نامه، به‌دلیل بار عاملی استاندارد $-0/04$ که کمتر از مقدار قابل‌قبول $0/5$ است، از مدل حذف شد. نشانگرهای ضعیف برای اطمینان از شناسایی‌پذیر بودن مدل و همبسته کردن ماتریس کواریانس خطای درون عامل‌ها حذف شد تا زمانی که حداقل سه شاخص به حد مطلوب برسند؛ این سطح از اصلاح

مدل، از چهارچوب نظری و آماری خارج نمی‌شود و ساختار عاملی اصلی را که توسط سازندگان پیشنهاد شده است به هم نمی‌ریزد.

برای بررسی پایایی پرسش‌نامه، از روش بازآزمایی و همسانی درونی به شیوه آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان همسانی درونی خرده‌مقیاس راهبردهای مستقیم، به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و به روش دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۹۲ به دست آمده است؛ همچنین میزان همسانی درونی خرده‌مقیاس راهبردهای غیرمستقیم، به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و به روش دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۷ برآورد شده است. آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای کل مقیاس ۰/۹۴ گزارش شده است.

جدول ۳: ماتریس ضریب کوریانس سازه‌های پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر

مقدار بحرانی	خطای استاندارد	بار استاندارد شده	بار استاندارد نشده	گویه	بار
۱۱/۸۷	۰/۰۶	۰/۶۰	۰/۷۷	۱. همسر من، چیزهای که ما را تحت تأثیر قرار می‌داد، فقط از دیدگاه خود تفسیر می‌کرد.	راهبردهای مستقیم
۱۱/۸۷	۰/۱۱	۰/۸۲	۱/۳۱	۲. همسر من، مرا به‌عنوان خدمتکار شخصی خود می‌دید.	
۱۶/۹۱	۰/۰۶	۰/۷۸	۰/۹۷	۳. همسر من، طرح‌ها و پیشنهادهای مرا کوچک می‌شمرد.	
۲۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۸۸	۱/۰۴	۴. همسر من، به‌صورت توهین‌آمیزی با من رفتار می‌کرد.	
۱۵/۳۵	۰/۰۶	۰/۷۳	۰/۹۲	۵. همسر من، هیچ‌گونه قدرشناسی نسبت به نقش مادری و همسری من نداشت.	
۱۵/۹۳	۰/۰۶	۰/۷۵	۰/۹۸	۶. همسر من، تنها زمانی تحت تأثیر قرار می‌گرفت که نفعی برای خودش وجود داشته باشد.	
۱۷/۱۱	۰/۰۵	۰/۷۹	۰/۹۱	۷. هنگام صحبت‌کردن درباره کارم، همسر من به شیوه‌ای اهانت‌آمیز با من برخورد می‌کرد.	
۱۵/۱۵	۰/۰۷	۰/۷۷	۰/۹۹	۸. همسر من، به شیوه‌های گوناگون مرا وادار می‌کرد تا آن‌طور که او می‌خواهد رفتار کنم.	
۱۴/۲۸	۰/۰۶	۰/۶۹	۰/۸۹	۹. همسر من، مخالفت من را با خودش تحمل نمی‌کرد.	
۱۵/۶۸	۰/۰۶	۰/۷۴	۰/۹۴	۱۰. بیان احساسات من، همسر من را آزار می‌داد.	
۱۷/۴۶	۰/۰۶	۰/۸۰	۱/۰۴	۱۱. همسر من، حتی به‌خاطر چیزهایی که من مسئول آن‌ها نبودم، مرا سرزنش می‌کرد.	راهبردهای غیر مستقیم
۱۲/۶۵	۰/۰۶	۰/۶۳	۰/۸۳	۱۲. همسر من، همه چیزهایی که انجام می‌دادم را کنترل می‌کرد.	
۱۱/۵۲	۰/۰۹	۰/۷۳	۱/۱۵	۱۳. همسر من، دسترسی مرا به پول‌هایمان تا حد امکان محدود می‌کرد.	
۱۲/۵۹	۰/۰۹	۰/۸۲	۱/۲۱	۱۴. همسر من، از زندگی آزادانه‌ام در خانه ممانعت می‌کرد.	
۱۱/۱۵	۰/۰۹	۰/۷۰	۱/۰۹	۱۵. همسر من، اطلاعات مهم را از من مخفی می‌کرد.	
۱۲/۵۵	۰/۱۰	۰/۸۱	۱/۱۹	۱۶. همسر من، از ایجاد روابط دوستی من با اطرافیان جلوگیری می‌کرد.	
۱۳/۰۷	۰/۰۹	۰/۸۶	۱/۳۳	۱۷. همسر من، مرا از انجام کارهای که دوست داشتم منع می‌کرد.	
۱۲/۶۵	۰/۱۰	۰/۸۲	۱/۳۱	۱۸. همسر من، تلاش می‌کرد مرا از اعضای خانواده‌ام دور نگه دارد.	

$P < 0.001$

جدول ۳، ماتریس ضریب کوریانس سازه‌های پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر را نشان می‌دهد. تمام ضرایب کوریانس‌ها مثبت و معنی‌دار (مقدار بحرانی بزرگ‌تر از ۲/۵۸) به دست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی بود. از طریق تحلیل عاملی تأییدی درجه‌اول، برای آزمون چندبعدی بودن پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر و بررسی نیکویی برازش، مدل دوعاملی راهبردهای مستقیم و راهبردهای غیرمستقیم پرسش‌نامه تأیید شد. این نتایج با نتایج به‌دست‌آمده در مطالعه اصلی که در آن پوراگراسا و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه روی ۱۰۱ نفر زن خشونت‌دیده پرداخته‌اند و همچنین پژوهش لاوسی و همکاران (۲۰۲۱) که روی ۳۴۳ زن خشونت‌دیده ایتالیایی اجرا شد، همسو و همخوان بود. این در حالی است که نتایج مذکور با نتایج حاصل از پژوهش لونگارس و همکاران (۲۰۱۸) که روی ۳۷۲ زوج دوجنس‌گرا و همجنس‌گرا اجرا شده بود و ساختار یک‌عاملی پرسش‌نامه را تأیید کردند، در تضاد است.

برای ارزیابی روایی همگرای پرسش‌نامه، به بررسی همبستگی سازه‌های روان‌شناختی خشونت روانی و خشونت جسمانی پرسش‌نامه تاکتیک‌های حل تعارض با خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر پرداخته شد؛ نتایج این مقایسه حاکی از وجود همبستگی مثبت و معناداری بین آن‌هاست. بیشترین همبستگی بین عامل‌های خشونت روانی و راهبردهای مستقیم گزارش شده است. این نتیجه بیانگر آن است که پرسش‌نامه انتخاب شده با پرسش‌نامه تاکتیک‌های حل تعارض تشابه محتوایی دارد؛ همچنین نتایج نشان می‌دهد که پرسش‌نامه منتخب با پرسش‌نامه پناغی و همکاران (۱۳۹۶) از لحاظ محتوایی متشابه ارزیابی شده است. در تبیین این تشابه محتوایی، می‌توان گفت که پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر با دو خرده‌مقیاس خشونت جسمانی و روانی شامل آیتم‌هایی می‌باشند که پرخاشگری و سوءاستفاده روانی از همسر را در بر می‌گیرند. همچنین برای ارزیابی روایی واگرا، به بررسی همبستگی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی با خرده‌مقیاس مذاکره از پرسش‌نامه تاکتیک‌های حل تعارض پرداخته شد. نتایج حاکی از وجود همبستگی منفی و معنادار بین سازه‌های مذاکره با راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر است. خرده‌مقیاس مذاکره با ۶ آیتم، به بررسی اقداماتی مربوط می‌شود که زوجین در برخورد با عدم توافق‌ها در خلال بحث‌ها انجام می‌دهند که شامل تاکتیک‌های مدیریت شناختی (مراقب هم بودن، توضیح‌دادن علت مشکلات و موافقت با راه‌حل پیشنهادی) و مدیریت هیجانی (احترام‌گذاشتن به احساسات همسر) است.

این خرده‌مقیاس، به لحاظ نظری با پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر که به بررسی مباحثی مانند فریادزدن بر سر همسر، توهین، تحقیر، آزاروآذیت، تهدید کلامی خود قربانی یا عزیزانشان، محدودیت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، منابع مالی یا حتی وسیله نقلیه می‌پردازد، متفاوت ارزیابی می‌شود. همچنین این نتیجه بیانگر آن است که پرسش‌نامه انتخاب‌شده با خرده‌مقیاس مذاکره از پرسش‌نامه تاکتیک‌های حل تعارض، تشابه محتوایی ندارد. همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که مذاکره و ایجاد ارتباط کلامی مؤثر، خود به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حل تعارض در نظر گرفته شده است که می‌تواند عاملی برای کاهش خشونت و ایجاد روابط مؤثر در میان زوجین در نظر گرفته شود. بر اساس نتایج بیرد، اتیبت و اشالادل^{۷۵} (۱۹۹۱)، مذاکره یکی از مهم‌ترین عوامل تفکیک‌کننده در تجربه و ایجاد خشونت یا عدم تجربه خشونت در روابط زوجی است. بنابراین عدم وجود رابطه همبستگی بین خرده‌مقیاس مذاکره با دو

خرده‌مقیاس پژوهش حاضر را شاید بتوان دلیل وجود روایی واگرایی مناسب برای پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر در نظر گرفت.

استفاده از راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر بر احساسات، شناخت و رفتار فرد خشونت‌دیده تأثیر منفی می‌گذارد و همچنین باعث می‌شود فرد مهاجم کنترل کامل شریک زندگی خود را به دست بگیرد. عامل راهبردهای مستقیم به‌دست‌آمده در این مطالعه، شامل آیتم‌هایی می‌شود که مستقیماً روی جنبه‌های احساسی، شناختی/روانی یا رفتاری فرد آسیب‌دیده تمرکز می‌کند. بعد سوءاستفاده احساسی، تخریب روانی و بی‌ارزش کردن/سرزنش کردن قبلاً به‌وسیله سایر پژوهشگران شناسایی شده است (ولفسون^{۷۶}، ۲۰۰۲؛ هارتی، بوش و شیهان^{۷۷}، ۲۰۰۵؛ بورژون، آرون و دان^{۷۸}، ۲۰۰۳؛ سونکین، مارتین و واکر^{۷۹}، ۱۹۸۵؛ وارد^{۸۰}، ۲۰۰۰). عامل راهبردهای غیرمستقیم به‌دست‌آمده در این مطالعه شامل آیتم‌هایی می‌شود که بر بافت و زمینه فرد آسیب‌دیده تمرکز دارند. در این مورد، زن به‌طور غیرمستقیم تحت کنترل و تسلط شخص خشونت‌گر قرار می‌گیرد. ابعاد مربوط به نظارت آشکار بر زن، اقدامات مربوط به کنترل کردن زن، انزوا و جداسازی اجتماعی شناسایی شده است (واسکز، استبانز و کانتر^{۸۱}، ۲۰۰۸؛ مارشال^{۸۲}، ۱۹۹۹؛ پیتنی و دراموند^{۸۳}، ۱۹۹۷؛ سونکین و همکاران، ۱۹۸۵؛ والکر^{۸۳}، ۱۹۷۹).

همسانی درونی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، به روش آلفای کرونباخ، برای هر دو بعد آن، بالای ۰/۹۰ به دست آمد. سطح بالای آلفای کرونباخ نشانگر پایین بودن واریانس میانگین سؤالات، همبستگی درونی بالای بین سؤالات و تک بعد بودن^{۸۴} است. به‌زعم ایزانلو و حبیبی عسگرآبادی (۱۳۸۶)، تک‌بعدی بودن از این حیث حائز اهمیت است که در اندازه‌گیری ویژگی‌های روان‌شناختی، هر بار باید بتوان یک ویژگی را سنجید و ابزار اندازه‌گیری نیز باید طوری طراحی شود که به‌صورت مستقل فقط به یک ویژگی حساس باشد. از این حیث، یافته‌های این پژوهش با نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش سازندگان ابزار (پوراگارسیا و همکاران، ۲۰۱۶) همسوست. مقدار به‌دست‌آمده نیز به‌زعم تابر^{۸۵} (۲۰۱۸)، بسیار بالا قلمداد می‌گردد. این امر نشان می‌دهد این ابزار از حیث اعتبار، از نوع همسانی درونی با روش آلفای کرونباخ، از شرایط لازم برای کاربست برخوردار است.

ساخت پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر و بررسی برخی ویژگی‌های روان‌سنجی آن توسط سازندگان (پوراگارسیا و همکاران، ۲۰۱۶) و نیز بررسی انجام‌شده در این پژوهش، بر اساس نظریه کلاسیک آزمون^{۸۶} (CTT) صورت گرفته است که البته به‌زعم سپاسی (۱۳۷۴) می‌تواند قابل نقد باشد. در مجموع، می‌توان گفت که پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر می‌تواند به‌عنوان ابزاری مناسب برای ارزیابی سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر قابل اعتماد و معتبر باشد. این مقیاس ویژگی‌های اولیه یک ابزار روا و پایا را داراست که می‌توان در موقعیت‌های مشاوره‌ای و پژوهشی از آن استفاده کرد. مهم‌ترین جنبه نوآوری این پژوهش، علاوه بر جامعه هدف، به خود پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر مربوط است که منعکس‌کننده تمام راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم سوءاستفاده روان‌شناختی، بدون توجه به اثرات جانبی و احتمالی سوءاستفاده روان‌شناختی بر قربانیان است. از دیدگاه مفهومی، پیشرفت روان‌سنجی، به‌منظور تعریف و عملی کردن سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، موردنیاز است تا بین فراوانی و شدت موارد سوءاستفاده تمایز قائل شد. با اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر، فرد

متخصص می‌تواند درجه آسیب روانی را، بسته به نوع راهبرد (مستقیم و غیرمستقیم) اعمال شده به قربانی، داوری کند. اطلاعات حاصل از این پرسش‌نامه می‌تواند جهت ارائه یک برنامه عملی خوب و مناسب برای درمان افراد درگیر سوءاستفاده و کمک به آن‌ها مفید و کاربردی باشد. تعداد کم و جامع سؤالات پرسش‌نامه این مزیت را دارد که در زمان اندک اطلاعات جامع را در اختیار افراد و متخصصین قرار دهد. همان گونه که در مقدمه نیز اشاره شد، نکته حائز اهمیت دیگر این است که از آنجایی که سبک خشونت علیه همسر به تدریج در حال تغییر است (احتمالاً به دلیل بازدارنده‌های حقوقی و مدنی سایر اقسام خشونت خانگی زوجی)، بیشترین نوع خشونت تجربه شده در روابط زوجی، از نوع روان‌شناختی است (مارتی - فرناندز، گراسیا و مالی^{۸۷}، ۲۰۱۹)، در حالی که غالب ابزارهای سنجش خشونت در روابط زوجی ترکیبی از اقسام خشونت جسمانی، روانی، مالی و نظایر آن را می‌سنجد و به صورت ویژه به سنجش رایج‌ترین نوع خشونت در روابط زوجی که از دیدگاه افراد قربانی نیز مهم‌تر از سایر ابعاد خشونت است (پناغی، قهاری و یوسفی، ۱۳۸۵)، نمی‌پردازد. نسخه فارسی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر می‌تواند این خلأ را تا حدی پوشش دهد.

با وجود اهمیت توسعه ابزارهای معتبر برای ارزیابی خشونت، این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است؛ یکی اینکه، پژوهش در استان کردستان اجرا شد. بنابراین در تعمیم نتایج آن به سایر مناطق و جمعیت‌ها باید جوانب احتیاط را در نظر گرفت؛ محدودیت دیگر پژوهش حاضر مربوط به روش نمونه‌گیری در دسترس است که قابل تعمیم نیست و در نتیجه روایی بیرونی پژوهش کاهش پیدا می‌کند؛ همچنین، می‌توان به پایین بودن نرخ بازگشت پرسش‌نامه‌ها در پژوهش حاضر و محدودیت در جمع‌آوری داده‌ها به دلیل شرایط کرونایی حاکم نیز اشاره کرد که باعث شد از میان ۶۳۰ عدد پرسش‌نامه توزیع شده، فقط ۳۴۲ عدد پرسش‌نامه عودت داده شود؛ علاوه بر این، باید توجه داشت که ترجمه چندباره مشکلات و خطراتی را در حفظ معنای اصلی به همراه دارد. اگرچه رویه‌های ترجمه پشت‌سرهم و دو سو کور احتمال خطا را کاهش می‌دهد، آن را کامل از بین نمی‌برد؛ این مسئله به نوبه خود روایی درونی پرسش‌نامه سوءاستفاده روان‌شناختی از همسر را کاهش می‌دهد. با وجود تمام محدودیت‌ها، این پژوهش یک پرسش‌نامه قابل اعتماد و معتبر ارائه می‌دهد. ابزاری مفید برای درک و ارزیابی سوءاستفاده روانی در میان زنان که می‌تواند در تحقیقات مختلف به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گیرد. لازم به ذکر است که جنبه‌های مختلف این پرسش‌نامه نیاز به مطالعه بیشتری دارد. بررسی دقیق جنبه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و نژادی که بر درک آسیب و درجه تحمل افراد اثر می‌گذارد، ضروری است. با این حال، مطالعات آینده باید در راستای اعتبارسنجی پرسش‌نامه روی جمعیت مذکر و الگوهای مختلف روابط (خشونت علیه مردان یا زنان) مورد استفاده قرار بگیرد. در حقیقت، فراوانی و شدت سوءاستفاده روانی ممکن است با توجه به جنسیت قربانی تغییر کند. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود در آینده پژوهش‌های جامع‌تری در این حیطه طرح‌ریزی شود.

سپاسگزاری

به رسم اخلاق و امانت‌داری علمی، بدین وسیله از کلارا پوراگاریا از دانشگاه بارسلونا، برای دراختیار گذاشتن ابزار و اجازه مطالعه و به کارگیری این ابزار روی نمونه ایرانی تشکر می‌شود. همچنین از استادانی که در بازبینی و تطبیق فرم‌ها ما را یاری نموده‌اند و از تمام افراد مشارکت‌کننده در پژوهش سپاسگزاریم.

پی‌نوشت‌ها

1. Epidemic
2. Intimate Partner Violence (IPV)
3. Wild, Gomes, Fernandes, de Araujo, - McDonald & Taft
4. Sangeetha, Mohan, Hariharasudan &- Nawaz
5. Willie & Kershaw
6. Ogunsiji & Blasdell
7. Yitbarek, Oldie & Abraham
8. Elite, Luis, Amorism, Macie & Gig- ante
9. Centers for Disease Control (CDC)
10. Rome & Miller
11. Dutton
12. Crowell & Burgess
13. García-Moreno, Pollitt, Devries, Stock, Watts & Abrahams
14. Doolabh, Fisher & O'Donnell
15. Adams & Beeble
16. Sustainable Development Goals
17. García-Moreno & Amin
18. Kim, Watts, Hargreaves, Ndhlovu, Ph- -etla, Morison & Pronyk
19. Psychological Abuse (PA)
20. Mills, Hill & Johnson
21. Rey Anacona, Martínez Gómez, Her- -reroOlaizola & Rodríguez Díaz
22. Rubio-Garay, López-González, Carras- -sco & Amor
23. Heyse, Pollitt, García-Moreno & Clark
24. World Health Organization (WHO)
25. Porrúa-García, Rodríguez-Carballeira, Escartín, Gómez-Benito, Almendros - & Martín-Peña
26. Linares, Escartín, Barrientos & Rodrí- -guez-Carballeira
27. Bartholomew, Regan, White & Oram
28. Nepal, Lehman, Sonia, Cavanaugh & - Cui
29. Newhart & Carney
30. Post Traumatic Stress Disorder (PTSD)
31. Jones, Hughes & Unterstaller
32. Dong, Chen, Chang & Simon
33. Peterson, Kearns, McIntosh, Estefan, Nicolai & McAllister
41. Marshall
42. Bair-Merritt
43. Hall, Walters & Basile
44. Gentry & Bailey
45. Elghossain, Bott, Akik & Obermeyer
46. McClintock, Trego & Wang
47. Straus
48. Emotional Abuse (EB)
49. Karnani
50. Interpartner Agreement (IA)
51. Moffitt, Casper, Krueger, Magda, Margolis, Silva & Sydney
52. Factor Structure of the Revised Co- -nflct Tactics Scale (CTS2)
53. Straus, Hamby, Boney-McCoy &- Sugar man
54. Haj-Yahia
55. Abusive Behavior Inventory (ABI)
56. Shepard & Campbell
57. the Four Horsemen
58. Gottman
59. Hurts, Insults, Threaten Screams (HITS)
60. Sherin, Sinacore, Li, Zitter & Shakil
61. Longares, Saldaña, Escartín, Barrien- -tos & Rodríguez-Carballeira
62. Escalate de Abuse Psicológico App- -licatoren la area (EAPA-P)
63. Rodríguez-Carballeira, Porrúa-García, Escartín, Martín-Peña & Almendros
64. Subtle and Overt Psychological Abuse Scale (SOPAS)
65. Hospital Anxiety and Depression Scale (HAD)
66. Davidson Trauma Scale (DTS)
67. Straus & Ramirez
68. Confirmatory Factor Analysis (CFI)
69. Comparative fit index (CFI)
70. Normed Fir Index (NFI)
71. Goodness-0f-fit index (GFI)
72. Adjusted goodness-0f-fit index (AGFI)
73. Root mean squara error of approxim- -ation (RMSEA)
74. Standardized Factor Loading

- | | |
|---|-------------------------------------|
| 34. Roller | 75. Bird, Stith & Schladale |
| 35. Lausi, Barchielli, Burrai, Giannini & Cricenti | 76. Wolfson |
| 36. Dokkedahl, Kok, Murphy, Kristensen, Bech-Hansen & Elklit | 77. Hearty, Bush & Sheehan |
| 37. Domenech Del Rio & Sirvent Garcia Del Valle | 78. Borjesson, Aarons & Dunn |
| 38. Estefan, Coulter & VandeWeerd | 79. Sunken, Martin & Walker |
| 39. Lawrence, Orenge-Aguayo, Langer & Brock | 80. Ward |
| 40. Garcia-Linares, Pico-Alfonso, Sanchez Lorente, Savall-Rodriguez, Celda-Navarro, Blasco-Ros & Martinez | 81. Vazquez, Estébanez & Canter |
| | 82. Pitney & Drummond |
| | 83. Walker |
| | 84. Unidimentionality |
| | 85. Taber |
| | 86. Classical Test Theory (CTT) |
| | 87. Martín-Fernández, Gracia & Lila |

منابع

- ایزنلو، ب.، حبیبی عسگرآبادی، م. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر مباحث رویکردهای جدید اندازه‌گیری در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی، *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۳(۸)، ۱۶۵-۱۳۵.
- پناغی، ل.، دهقانی، م.، عباسی، م.، محمدی، س.، و ملکی، ق. (۱۳۹۰). بررسی پایایی، روایی و ساختار عاملی مقیاس تجدیدنظرشده تاکتیک‌های حل تعارض. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۷(۱)، ۱۱۷-۱۰۳.
- پناغی، ل.، قهاری، ش.، مختارنیا، ا.، داستارنبد، ب.، نبویان، و. (۱۳۹۶). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه همسرآزاری زنان، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲(۲۲)، ۲۳۱-۲۲۱.
- پناغی، ل.، قهاری، ش.، و یوسفی، ح. (۱۳۸۵). خشونت علیه همسر و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه قربانیان این پدیده، یک مطالعه کیفی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲(۳)، ۲۷۶-۲۵۴.
- خسروی، ز.، خاقانی فرد، م. (۱۳۸۳). بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رسانی به همسر در زنان شهر تهران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۲(۶)، ۹۹-۱۱۳.
- زارع شاه‌آبادی، ا.، و ندرپور، ی. (۱۳۹۳). رابطه بین تجربه خشونت در دوران کودکی و خشونت علیه زنان در شهر کوه‌دشت. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲(۴)، ۹۳-۱۱۸.
- سناسی، ح. (۱۳۷۴). نظریه کلاسیک آزمون و محدودیت‌های آن، *دستاوردهای روان‌شناختی*، ۲(۲)، ۱۴۶-۱۳۲.
- شمس اسفندآباد، ح.، امامی‌پور، س.، و صدروسادات، س. ج. (۱۳۸۳). همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن در میان زنان متأهل. *توانبخشی*، ۵(۳)، ۳۶-۳۰.
- صبوری، س.، و میرهاشمی، م. (۱۳۹۵). پیش‌بینی ابعاد خشونت بر اساس راهبردهای مقابله‌ای در زنان قربانی خشونت خانگی. *دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱(۲)، ۱-۱۳.
- عباس‌پور، ذ.، امان‌الهی، ع.، چوپداری، ع. (۱۳۹۸). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس باج‌گیری عاطفی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۹(۳۶)، ۲۰۰-۱۸۳.
- فرید، ا. (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری در داده‌های پرسش‌نامه‌ای به کمک *AMOS 22*، تهران: مهرگان قلم.
- محمدی، س.، و پیرخانی، ع. (۱۳۹۳). ساخت و اعتباریابی مقیاس کیفیت روابط زناشویی با تأکید بر تئوری انتخاب گلاسر. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۵(۱۸)، ۷۶-۴۶.

مهری، ع.، گرمارودی، غ.، سادات‌رضوی، ا.، حاجی‌زاده، ا.، هاشمیان، م.، و صلحی، م. (۱۳۹۷). طراحی و روان‌سنجی پرسش‌نامهٔ سنجش علل خشونت خانگی از دیدگاه مردان متأهل دارای سابقه خشونت علیه زنان در شهر سبزوار. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۵(۶)، ۸۴۵-۸۵۲.

میرغفوروند، م.، محمدعلیزاده چرندابی، س.، اصغری جعفرآبادی، م.، و اسدی، ص. (۱۳۹۵). ارزش تشخیصی ابزار HITS در مقایسه با ابزار CTS2 در غربالگری خشونت خانگی. *حیات*، ۲۲(۲)، ۱۷۵-۱۸۴.

همت‌ی، ر. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان. *فصلنامهٔ رفاه اجتماعی*، ۱۲، ۲۲۷-۲۵۶.

- Abbaspour, Z., amanelahi, A., & choubdari, A. (2020). Evaluation of psychometric properties of the Emotional Blackmail Scale (EB). *Quarterly of Educational Measurement*, 9(36), 183-200 [in Persian].
- Adams, A. E., & Beeble, M. L. (2018). Intimate partner violence and psychological well-being: Examining the effect of economic abuse on women's quality of life. *Psychology of Violence*, 9(5), 517-525.
- Bair-Merritt, M. H. (2010). Intimate partner violence. *Pediatrics in Review/American Academy of Pediatrics*, 31(4), 145- 150.
- Bartholomew, K., Regan, K. V. White, M., and Oram, D. (2008). Patterns of Abuse in Male Same-Sex Relationships. *Violence and Victims*, 23 (5), 617-636.
- Bird, G. W., Stith, S. M., & Schladale, J. (1991). Psychological resources, coping strategies, and negotiation styles as discriminators of violence in dating relationships. *Family Relations*, 45-50
- Borjesson, W. I., Aarons, G. A., & Dunn, M. E. (2003). Development and confirmatory factor analysis of the Abuse within Intimate Relationship Scale. *Journal of Interpersonal Violence*, 18, 295-309.
- Chapman, H., & Gillespie, S. M. (2019). The Revised Conflict Tactics Scales (CTS2): A review of the properties, reliability, and validity of the CTS2 as a measure of partner abuse in community and clinical samples. *Aggression and Violent Behavior*, 44, 27-35.
- Crowell, N. A., & Burgess, A. W. (1996). *Understanding Violence against Women*. Washington, D.C.: American Psychological Association.
- Dokkedahl, S., Kok, R. N., Murphy, S., Kristensen, T. R., Bech-Hansen, D., & Elklit, A. (2019). The psychological subtype of intimate partner violence and its effect on mental health: Protocol for a systematic review and meta-analysis. *Systematic Reviews*, 8(1), 1-10
- Domenech Del Rio, I., & Sirvent Garcia Del Valle, E. (2017). The consequences of intimate partner violence on health: A further disaggregation of psychological violence-Evidence from Spain. *Violence against Women*, 23(14), 1771-1789.
- Dong, X., Chen, R., Chang, E. S., & Simon, M. (2013). Elder abuse and psychological well-being: A systematic review and implications for research and policy-A mini review. *Gerontology*, 59(2), 132-142.
- Doolabh, K., Fisher, C., & O'Donnell, M. (2022). Understanding the dynamics of support seeking in women with lived experience of non-physical intimate partner violence (IPV) and the service responses-A qualitative study. *Australian Journal of Social Issues*.
- Dutton, D. G. (2011). *The Domestic Assault of Women: Psychological and Criminal Justice Perspectives*. UBC press.
- Elghossain, T., Bott, S., Akik, C., & Obermeyer, C. M. (2019). Prevalence of intimate partner violence against women in the Arab world: A systematic review. *BMC International Health and Human Rights*, 19(1), 1-16.

- Elite, F. M. C., Luis, M. A., Amorism, M. H. C., Macie, E. L. N., & Gig ante, D. P. (2019). Violence against women and its association with the intimate partner's profile: A study with primary care users. *Revisit Brasilia de Epidemiologic*, 22, 1-14.
- Estefan, L. F., Coulter, M. L., & VandeWeerd, C. (2016). Depression in women who have left violent relationships: The unique impact of frequent emotional abuse. *Violence against Women*, 22(11), 1397-1413.
- Garcia-Linares, M. I., Pico-Alfonso, M. A., Sanchez-Lorente, S., Savall-Rodriguez, F., Celda-Navarro, N., Blasco-Ros, C., Martinez, M. (2005). Assessing Physical, Sexual, and Psychological Violence Perpetrated by Intimate Male Partners toward Women: A Spanish Cross-Sectional Study. *Violence and Victims*, 20, 99-123
- García-Moreno, C., & Amin, A. (2016). The sustainable development goals, violence and women's and children's health. *Bulletin of the World Health Organization*, 94(5), 396-397.
- García-Moreno, C., Pollitt, C., Devries, K., Stock, H., Watts, C., & Abrahams, N. (2013). *Global and Regional Estimates of Violence against Women: Prevalence and Health Effects of Intimate Partner Violence and Non-Partner Sexual Violence*. World Health Organization.
- Gentry, J., & Bailey, B. A. (2014). Psychological intimate partner violence during pregnancy and birth outcomes: Threat of violence versus other verbal and emotional abuse. *Violence and Victims*, 29(3), 383-392.
- Gottman, J. M. (1999). *The Marriage Clinic: A Scientifically-Based Marital Therapy*. New York: W.W. Norton & Company.
- Haj-Yahia, M. M. (1999). Wife abuse and its psychological consequences as revealed by the first Palestinian National Survey on Violence against Women. *Journal of Family Psychology*, 13(4), 642-662.
- Haladyna, T.M., Downing, S.M., & Rodriguez, M. (2002). A review of multiple-choice item-writing guidelines for classroom assessment. *Applied Measurement in Education*, 15(3), 309-334.
- Hall, J. E., Walters, M. L., & Basile, K. C. (2012). Intimate partner violence perpetration by court-ordered men: Distinctions among subtypes of physical violence, sexual violence, psychological abuse, and stalking. *Journal of Interpersonal Violence*, 27(7), 1374-1395.
- Hearty, K., Bush, R., & Sheehan, M. (2005). The Composite Abuse Scale: Further development and assessment of reliability and validity of a multidimensional partner abuse measure in clinical settings. *Violence & Victims*, 20, 399-415.
- Hemmati R. (2004). [Factors Influencing Women Harassment: The Case Study of Tehran Family]. *Refahj*, 3(12), 227-256 [in Persian].
- Heyse, L., Pollitt, C., García-Moreno, C., & Clark, C. J. (2019). Measuring psychological abuse by intimate partners: Constructing a cross-cultural indicator for the Sustainable Development Goals. *SSM-Population Health*, 9, 1-6.
- Izanlo, B., habibiAn, M. (2007). Introduction to the Modern Approach in Educational and Psychological Measurement. *Educational Psychology*, 3(8), 135- 165 [in Persian].
- Jones, L., Hughes, M., & Unterstaller, U. (2001). Post-Traumatic Stress Disorder (PTSD) in Victim of Domestic Violence: A review of the research. *Trauma, Violence, and Abuse*, 2(2), 99-119.
- Karnani, S., R. (2018). *Emotional Blackmail within Couple Relationships in Hong Kong*. Unpublished Doctoral Dissertation, Alliant International University Hong Kong.
- Khosravi, Z., & KhaghaniFard, M. (2005). Investigate the relationship between spouse abuse with tend to suicidal thoughts and damaging to his Wife. *Women's Studies Journal*, 2(6), 99-113 [in Persian].

- Kim, J. C., Watts, C. H., Hargreaves, J. R., Ndhlovu, L. X., Phetla, G., Morison, L. A., & Pronyk, P. (2007). Understanding the impact of a microfinance-based intervention on women's empowerment and the reduction of intimate partner violence in South Africa. *American journal of Public Health, 97*(10), 1794-1802.
- Lausi, G., Barchielli, B., Burrari, J., Giannini, A. M., & Cricenti, C. (2021). Italian Validation of the Scale of Psychological Abuse in Intimate Partner Violence (EAPA-P). *International Journal of Environmental Research and Public Health, 18*(23), 1-14.
- Lawrence, E., Orengo-Aguayo, R., Langer, A., & Brock, R. L. (2012). The impact and consequences of partner abuse on partners. *Partner Abuse, 3*(4), 406-428.
- Linares, L., Escartín, J., Barrientos, J., & Rodríguez-Carballeira, Á. (2018). Psychological abuse in Spanish same-sex couples: Prevalence and relationship between victims and perpetrators. *Innovation: The European Journal of Social Science Research, 31*(2), 125-141.
- Longares, L., Saldaña, O., Escartín, J., Barrientos, J., & Rodríguez-Carballeira, Á. (2018). Measuring psychological abuse in same-sex couples: Evidence of validity of the EAPA-P in a Spanish-speaking sample. *Anales de Psicología, 34*(3), 555-561.
- Marshall, L. L. (1999). Effects of men's subtle and overt psychological abuse on low-income women. *Violence and Victims, 14*(1), 69-88.
- Martín-Fernández, M., Gracia, E. & Lila, M. (2019). Psychological intimate partner violence against women in the European Union: a cross-national invariance study. *BMC Public Health, 19*, 1739.
- McClintock, H. F., Trego, M. L., & Wang, E. M. (2019). Controlling behavior and lifetime physical, sexual, and emotional violence in sub-Saharan Africa. *Journal of Interpersonal Violence, 36*, 7776-7801.
- Mehri, A., Gorramoodi, G., Sadat Razavi, A., Hajizadeh, E., Hashemian, M., Solhi, M. (2018). Development and Psychometric of a Questionnaire for Assessing of the Causes of Domestic Violence in Married Men. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences, 25*(6), 845-852 [in Persian].
- Mills, C. P., Hill, H. M., & Johnson, J. A. (2018). Mediated effects of coping on mental health outcomes of African American women exposed to physical and psychological abuse. *Violence a Women, 24*(2), 186-206.
- Mirghafourvand, M., Alizadeh Charandabi, S., Asghari Jafarabadi, M., & Asadi, S. (2016). Comparison of the diagnostic values of HITS and CTS2 in domestic violence screening. *Journal of Hayat, 22* (2), 175-184 [in Persian].
- Moffitt, T. E., Casper, A., Krueger, R. F., Magda, L., Margolis, G., Silva, P. A., & Sydney, R. (1997). Do partners agree about abuse in their relationship? A psychometric evaluation of interpreter agreement. *Psychological Assessment, 9*(1), 47-56.
- Mohamadi, S & Pirkaefi, A. (2015). Construction and standardization of Quality of Marital Relationships (QMR) Scale based on Glasser's Choice theory. *Quarterly of Educational Measurement, 5*(18), 45-76 [in Persian].
- Nepal, T. K., Lehman, B. J., Sonia, J. M., Cavanaugh, S. A., & Cui, M. (2019). Intergenerational continuity of psychological violence: Intimate partner relationships and harsh parenting. *Psychology of Violence, 9*(3), 298- 307.
- Newhart, R., & Carney, A. (2020). *Psychological Abuse*. In *Elder Abuse* (pp. 163-182). Academic Press.
- Ogunsiji, O., & Blasdell, E. (2017). Intimate partner violence prevention and reduction: A review of literature. *Health Care for Women International, 38*(5), 439-462.

- Panaghi, L., Dehghani, M., Abbasi, M., Mohammadi, S., Maleki, GH. (2011). Investigating Reliability, Validity and Factor Structure of the Revised Conflict Tactics Scale. *Iranian Journal of Family Research*, 103(1), 103-117 [in Persian].
- Panaghi, L., Ghahari, Sh., Mokhtarnia, I., Dasarband, B., Nabavian, V. (2017). Preliminary Study of Psychometric Features of Wife Abuse Questionnaire. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 23(2), 218-231 [in Persian].
- Panaghi, L., Ghahari, Sh., Yousefi, H. (2007). Violence against the wife and factors affecting it from the point of view of the victims of this phenomenon, a qualitative study. *Journal of Family Research*, 2(3), 254- 276 [in Persian].
- Peterson, C., Kearns, M. C., McIntosh, W. L., Estefan, L. F., Nicolai, C., McAllister, K. E. (2018). Lifetime economic burden of intimate partner violence among U.S. adults. *American Journal of Preventive Medicine*, 55(4), 433-444.
- Pitney, J. K., & Drummond, P. D. (1997). The reliability and validity of empirically scaled measures of psychological/verbal control and physical/verbal abuse: Relationship between current negative mood and a history of abuse independent of other negative life events. *Journal of Psychosomatic Research*, 43, 125-142.
- Porrúa-García, C., Rodríguez-Carballeira, Á. Escartín, J., Gómez-Benito, J., Almendros, C., & Martín-Peña, J. (2016). Development and validation of the scale of psychological abuse in intimate partner violence (EAPA-P). *Psicothema*, 28(2), 214-221.
- Pournaghash Tehrani, S. (2005). Assessment of the causes of domestic violence in families in Tehran. *Daneshvar Raftar*, 12(13), 23-36 [in Persian].
- Rey Anacona, C. A., Martínez Gómez, J. A., Herrero Olaizola, J. B., & Rodríguez Díaz, F. J. (2021). Psychometric properties of the Checklist of Experiences of Psychological Abuse to the Couple in adolescents and young adults. *Journal of Interpersonal Violence*, 36(13-14), 1-20.
- Rodríguez-Carballeira, A., Porrúa-García, C., Escartín, J., Martín-Peña, J., Almendros, C. (2014). Taxonomy and hierarchy of psychological abuse strategies in intimate partner relationships. *Annals of Psychology*, 30, 916-926.
- Rodríguez-Carballeira, Á; Porrúa-García, C; Escartín, J; Martín-Peña, J; & Almendros, C. (2014). Taxonomy and hierarchy of strategies of psychological abuse in intimate partner relationships. *Anales de Psicología/Annals of Psychology*, 30(3), 916-926.
- Roller, C. (2020). The social dimensions of intimate partner violence: A qualitative study with male perpetrators. *Sexuality & Culture*, 24(3), 749-763.
- Rome, E. S., & Miller, E. (2020). Intimate partner violence in the adolescent. *Pediatrics in Review*, 41(2), 73-80.
- Rubio-Garay, F., López-González, M. A., Carrasco, M. A., & Amor, P. J. (2017). Prevalencia de la violencia en el noviazgo: una revisión sistemática The prevalence of dating violence: a systematic review. *Papeles del Psicólogo*, 38, 135-147.
- Sabori, S., & Mirhashemi, M. (2016). Prediction of Violence Dimentions upon Coping Strategies in Women of Domestic Violence Victim. *Family Pathology, Counseling & Enrichment Journal*, 1(2), 1-13 [in Persian].
- Sangeetha, J., Mohan, S., Hariharasudan, A., & Nawaz, N. (2022). Strategic analysis of Intimate Partner Violence (IPV) and cycle of violence in the autobiographical text-When I hit you. *Heliyon*, 8(6), e09734.
- Sepasi, H. (1995). [The classical test theory and its limitalions]. *Psychological Achievements*, 2 (2), 32-146 [in Persian].
- Shams-Esfandabad H, Emami-Pour S, Sadrosadat S J. (2004). Wife Abuse and Its Affecting Factors among the Married Woman. *Jrehab*, 5(3), 30-36 [in Persian].

- Shepard, M. F., & Campbell, J. A. (1992). The Abusive Behavior Inventory: A measure of psychological and physical abuse. *Journal of Interpersonal Violence*, 7(3), 291-305.
- Sherin, K. M., Sinacore, J. M., Li, X. Q., Zitter, R. E., & Shakil, A. (1998). HITS: a short domestic violence screening tool for use in a family practice setting. *Family Medicine-Kansas City-*, 30, 508-512.
- Straus, M. A. (2004). Cross-cultural reliability and validity of the Revised Conflict Tactics Scales: A study of university student dating couples in 17 nations. *Cross-Cultural Research*, 38(4), 407-432.
- Straus, M. A., & Ramirez, I. L. (2007). Gender symmetry in prevalence, severity, and chronicity of physical aggression against dating partners by university students in Mexico and USA. *Aggressive Behavior: Official Journal of the International Society for Research on Aggression*, 33(4), 281-290.
- Straus, M. A., Hamby, S. L., Boney-McCoy, S., & Sugar man, D. B. (1996). The revised conflict tactics scales (CTS2) development and preliminary psychometric data. *Journal of Family Issues*, 17(3), 283-316.
- Sunken, D. J., Martin, D., & Walker, L. E. A. (1985). *The Male Batterer: A Treatment Approach*. New York: Springer.
- Taber, K. S. (2018). The use of Cronbach's alpha when developing and reporting research instruments in science education. *Research in Science Education*, 48(6):1273–1296.
- Vazquez, N., Estébanez, I., & Canter, I. (2008). Violence psychological en las relaciones de noviazgo: Quad dice ells? Lo precise? Lo naturalizing? [Psychological violence in dating relationships: What do women say? Do they notice it? Do they regard it as natural?].
- Walker, L. E. A. (1979). *The Battered Woman*. New York: Harper & Row.
- Ward, D. (2000). Domestic violence as a cultic system. *Cultic Studies Journal*, 17, 42-55.
- Wild, K., Gomes, L., Fernandes, A., de Araujo, G., McDonald, S., & Taft, A. (2020). Security from above and below: A critical ethnography of the health response to violence against women in Timor-Leste. *Social Science & Medicine*, 260, 113191.
- Willie, T. C., & Kershaw, T. S. (2019). An ecological analysis of gender inequality and intimate partner violence in the United States. *Preventive Medicine*, 118, 257-263.
- Wolfson, L. B. (2002). *A Study of the Factors of Psychological Abuse and Control in Two Relationships: Domestic Violence and Cultic Systems*. University of Connecticut.
- World Health Organization. (2017). *Abuse of Older People-1 in 6 Affected*. Retrieved from [http://www.who.int/mediacentre/news/releases/2017/abuseolder people/en](http://www.who.int/mediacentre/news/releases/2017/abuseolder%20people/en). (26/12/2019).
- Yitbarek, K., Oldie, M., & Abraham, G. (2019). Time for action: Intimate partner violence troubles one third of Ethiopian women. *Plos One*, 14(5), 1-13.
- Zare Shahabadi, A & Naderpoor, Y. (2014). The relationship between the experience of violence in childhood and violence against women in the city of Kohdasht. *Quarterly Journal of Women's Sociological and Psychological Studies*, 12(4), 93-118 [in Persian].